



ب - مصاحبه با

کیکاووس جهاننداری

دومین رئیس کتابخانه

هما افراسیابی



یادداشت: کیکاووس جهاننداری دومین مدیر کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی (سنای سابق)، در سال‌های ۱۳۳۴-۱۳۴۵ در سمت معاونت کتابخانه و پس از آن تا سال ۱۳۵۷ ریاست کتابخانه را عهده دار بود. ایشان در سال ۱۳۰۲ شمسی متولد شد، تحصیلات متوسطه خود را در تهران به پایان رسانید و

در سال ۱۳۲۸ از دانشکده ادبیات تهران در رشته زبان‌های خارجی فارغ التحصیل شد.

در ابتدا چند سال در کتابخانه دانشکده ادبیات به کار مشغول و سپس به کتابخانه مجلس سنای سابق منتقل شد. در سال ۱۳۳۹ به دعوت دانشگاه فرانکفورت آلمان شش ماه در آن موسسه به تدریس زبان فارسی پرداخت.

آثار قلمی ایشان اکثرآ ترجمه متون ایران‌شناسی و ادبیات آلمانی است. از جمله:

۱- هسه، هرمان. گرگ بیابان - تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶ و چاپ‌های مکرر توسط نشر اساطیر.

۲- کمپفر، انگلبرت. درباره شاهنشاه ایران - تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰ و دو چاپ دیگر به نام سفرنامه کمپفر توسط انتشارات خوارزمی.

۳- گوتشمید، آلفرد. تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان - تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۶ و چاپی دیگر توسط انتشارات ققنوس.

۴- هینتس، والتر. تشکیل دولت ملی در ایران: حکومت آق قوینلو و ظهور دولت صفوی - تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲.

۵- نیدرمایر، اسکارفون. زیر آفتاب سوزان ایران - تهران: نشر

تاریخ ایران، ۱۳۶۳ (دو چاپ: اساطیر و نشر تاریخ).

۶- بلوشر، ویرت. سفرنامه بلوشر - تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳.

۷- پولاک، یاکوب ادوارد. سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان» - [تهران]: خوارزمی، ۱۳۶۸.

۸- مارزلف، اولریش. طبقه بندی قصه‌های ایرانی - تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۷۱ (دو چاپ).

۹- هینتس، والتر. شاه اسماعیل دوم صفوی - [تهران]: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ (دو چاپ).

۱۰- بول، هایتریش. قطار به موقع رسید - تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۲ (دو چاپ).

۱۱- شوارتس، پاول. جغرافیای تاریخی فارس - [بی‌جا]: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۲.

۱۲- هانزن، کورت هایتریش. شاهنامه فردوسی؛ ساختار و قالب - تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۴.

۱۳- بول، هایتریش. بیلیارد در ساعت نه و نیم - تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۷۷.

۱۴- میکوش، داگوبرت فون. واسموس - بوشهر: مرکز بوشهرشناسی؛ قم: موسسه فرهنگی همسایه، ۱۳۷۷.

۱۵- افسانه (و سیزده داستان دیگر) / اثر هرمان هسه... [و دیگران] - تهران: اساطیر، ۱۳۷۸.

۱۶- لوفت، پاول. ایران در عهد شاه عباس دوم [برای] کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه. - تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.

۱۷- وایت، آن‌تری. جهان‌های گمشده - تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰ (چند چاپ).

۱۸- استراوینسکی، ایکور فنودورویچ. زندگی من - تهران: خوارزمی، ۱۳۸۰.

۱۱
سپهرستان

۱۹-۲۴ مقاله در موضوعات مختلف ایران شناسی در نشریات فارسی.
 ۲۰- گابریل، مارکوپولو در ایران (در دست انتشار).
 ۲۱- رهبرین، نظام ایالات در دوره صفویه - تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
 ۲۲- سزگین، تاریخ نگارش های عربی؛ ج ۳: پزشکی، داروسازی، جانورشناسی، دام پزشکی.

ج - در یک برخورد کاری آقای تقی زاده با آقای دکتر زریاب خوبی آشنایی شوند و تحت تاثیر علم و کمال ایشان قرار می گیرند. بعد از این که ایشان سمت رئیس مجلس سنا را دارا شدند، فکر کردند کتابخانه ای تحقیقی در کنار مجلس سنا تاسیس کنند. برای انجام این کار از آقای دکتر زریاب درخواست همکاری کردند. نظر ایشان تاسیس یک کتابخانه تحقیقی برای اهل علم با مجموعه ای غنی و کمیاب بود و بارها می گفتند که راجع به وجود این کتابخانه هیاهو به راه نیندازید، و تبلیغ نکنید چون کتابخانه عمومی نیست و در اثر کثرت مراجعه کننده، چندان مجالی دیگر برای محققین باقی نمی ماند.

س - حامیان کتابخانه در مجلس چه کسانی بودند؟

ج - تمام روسای مجلس سنای سابق، به جز آقای دکتر لقمان الملک (سعید مالک). البته ایشان رئیس مجلس نبودند، در زمان انحلال مجلس سنا، سرپرستی مجلس را به عهده داشتند. با آنکه استاد دانشگاه بودند و توقع بیشتری از ایشان بود، ولی مانع تأمین بودجه خرید کتابخانه بودند و هیچ کمکی به کتابخانه نمی کردند.
 س - این کتابخانه تخصصی و ویژه، حتماً مراجعین ویژه داشت، لطفاً مقداری توضیح دهید؟

اشکال عمده ای در مورد مراجعه کنندگان به کتابخانه وجود داشت و آن هم به خاطر هم جواری کتابخانه با مجلس سنا بود. بنابراین عبور و مرور مراجعین دشوار بود و مسئولیت داشت و نمی شد افراد ناشناس را در کتابخانه پذیرا شد. گاهی تلفنی با مراجعین که در پاگرد ورودی مجلس بودند، شخصاً صحبت می کردم تا نیازشان را بشناسم، اگر در حد منبعی بود که در کتابخانه های دیگر کشور یافت می شد، آنها را به جایی دیگر راهنمایی می کردم و در غیر این صورت خودم شخصاً مسئولیت حضور ایشان را در کتابخانه می پذیرفتم که کار آسانی نبود. از مراجعین خاص کتابخانه می توان به صورت نمونه از آقایان دانش پژوه، دکتر مقدم، دکتر شفیع کدکنی، دکتر خانلری، دکتر

س - آقای جهاننداری با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید و ما را پذیرفتید لطفاً بفرمایید در چه تاریخی فعالیت خود را در کتابخانه مجلس سنای سابق (کتابخانه شماره دو مجلس) آغاز نمودید؟

ج - از سال ۱۳۳۴ در آنجا به کار مشغول شدم. آن زمان ریاست کتابخانه به عهده آقای دکتر زریاب بود. کمتر از یک ماه پس از اشتغال به کار من، ایشان برای تهیه رساله دکتری به آلمان رفتند. قرار بود مدت اقامت ایشان در آلمان دو سال باشد، ولی کار به چهار سال انجامید. در آن زمان آقای غلامعلی تربیت در کتابخانه فعالیت داشتند. ایشان نیز دو الی سه ماه بعد به آلمان رفتند و سرپرست دانشجویان ایرانی در آلمان شدند. نیروی کتابخانه در آن موقع آقای حسن محبوب و من بودیم. آقای محبوب هم دو، سه ماه پیش تر از من آمده بودند و سابقه زیادی نداشتند. سپس به تدریج برای کتابخانه نیروهای دیگر استخدام گردید. کمی پیش از آن، کتابخانه مجلس سنای سابق از بهارستان به ساختمان فعلی مجلس در خیابان سپه منتقل شده بود. دفتر ثبت کتابخانه در آن هنگام شامل ۳۰۰۰ الی ۳۵۰۰ جلد کتاب بود که آقای دکتر زریاب خود شخصاً آنها را تهیه کرده و به خط خودشان در دفتر ثبت کرده بودند، زیرا ایشان تنها کسی بودند که در کتابخانه فعالیت داشتند و گش دیگری برای کمک به ایشان وجود نداشت.

س - سمت آقای غلامعلی تربیت در کتابخانه چه بود؟

ج - دقیقاً نمی دانم، ظاهراً در زمان ریاست دکتر زریاب معاونت کتابخانه بر عهده ایشان بود.

س - آقای دکتر زریاب پس از مراجعت از آلمان آیا باز با کتابخانه همکاری داشتند؟

ایشان پس از بازگشت به تهران، مدت سه الی چهار سال در سمت خود در کتابخانه به کار مشغول شدند و بعد برای تدریس به دانشگاه برکلی (کالیفرنیا) دعوت شدند. در آن موقع بنده به عنوان معاون ایشان فعالیت داشتم. حدود سال ۱۳۴۵ به ریاست کتابخانه منصوب گردیدم.

س - از آغاز تاسیس کتابخانه در سال ۱۳۲۸ و نحوه شکل گیری مجموعه برایمان صحبت کنید.



زرین کوب، استاد محیط طباطبایی، استاد اصغر مهدوی، استاد ایرج افشار، استاد مینوی و چندین نفر دیگر را که ذکر نامش باعث اطاله کلام می گردد نام برد. روی هم رفته مراجعه به کتابخانه با وضعیت و فضای کمی که داشت، کار مشکلی بود و ما نیز می خواستیم مراجعین در سطح بالا و محقق باشند.

س - ظاهراً بعضی از مراجعین به کتابخانه، همکاران بعدی کتابخانه بودند، مثل دکتر شفیعی کدکنی، دکتر زرین کوب، ممکن است در این مورد توضیحاتی بفرمایید؟

ج - آقای شفیعی کدکنی مدت کوتاهی همکار ما در کتابخانه بودند و سپس به دانشگاه منتقل شدند و بعد از آن هم گاه گاه به کتابخانه مراجعه می کردند. آقای زرین کوب در سمت مشاور کتابخانه بودند و کارهای تحقیقی می کردند و کار معینی در زمینه کتابداری به ایشان رجوع نمی شد.

س - در خاطرات آقای دکتر زریاب، ایشان نقش این کتابخانه را در شکل گیری کارهای علمی و شخصیتی خود متذکر شده اند، نظر شما در این مورد چیست؟

ج - کتابخانه مجلس سنای سابق در خدمت ایشان بود و کارهای تحقیقی خود را در آنجا انجام می دادند و پس از انتقال به دانشگاه در کتابخانه نیز سمت مشاور داشتند.

س - آیا کتابخانه، کتاب را به امانت می داد یا نه؟

ج - تازمانی که آقای تقی زاده رئیس مجلس بود، با امانت کتاب مخالف بود و مطالعه در محل کتابخانه را توصیه می کرد. بعد از ایشان آقای دکتر صدیق اعلم، خواستار امانت گرفتن کتاب شد و کتابخانه هم بر طبق مقررات مخالفت می کرد. ایشان به هیأت رئیسه مجلس مراجعه کردند و هیأت رئیسه هم در پی یک دستور کتبی اعلام کرد که فقط به سناتورها به مدت پانزده روز کتاب امانت داده شود. البته امانت دادن به آنها، کار آسانی بود، ولی برگرداندن کتاب کاری دشوار. زیرا آنها گاه برای بستگان خود امانت می گرفتند و گاه نیز با خارج شدن آنها از کشور، دسترس به امانت گیرنده نبود. بنابراین تا جایی که ممکن بود، سعی بر این بود که امانت ندهیم (با وجود این که مقرراتی هم وجود داشت).

س - زمینه موضوعی مجموعه کتابخانه چه بود؟

ج - زمینه موضوعی مجموعه کتابخانه، ایران شناسی و اسلام شناسی بود با تکیه بر مذهب شیعه. بعضی از سناتورها می گفتند این کتابخانه، به درد مجلس نمی خورد. راست هم می گفتند، چون ایران شناسی به معنی اخص مورد نیاز مجلس نبود. یک بار به آقای تقی زاده نظر آنان را انتقال دادم. ایشان گفتند چه کسانی این حرف را می زنند. گفتم آقای دکتر متین دفتری و یکی دو نفر دیگر. ایشان گفتند: به او بگویید تا شما در این مجلس هستید

و با توجه به احاطه ای که به کارهای حقوقی دارید، فهرستی برای تهیه منابع حقوقی فراهم نمایید تا اقدام خرید صورت گیرد، با گفتن این جمله آنها می روند دنبال کارشان. همان طور هم بود، چون پس از این که به ایشان گفتم، هیچ گونه فهرستی تهیه نکردند و نیاوردند.

س - در دوره ریاست شما، آیا کتاب هایی قابل وجین در کتابخانه وجود داشت؟

ج - بله، همان اواخر (قبل از انقلاب اسلامی)، به رئیس مجلس گفتم که حدود ۱۵۰۰ جلد کتاب در کتابخانه وجود دارد که با دیگر کتاب ها سنخیت ندارد و سطح آنها پایین تر است و در مدت سی سال به انحاء مختلف به کتابخانه راه یافته اند. این ها را باید وجین کرد تا مجموعه یک دست شود. گفتند: اشکال ندارد، فهرستی تهیه کنید، این کتاب ها را کنار بگذارید تا هر وقت از جایی کتابی خواستند، به آنها بدهیم که فرصتی برای این کار نشد.

س - آیا کتابخانه، نظام نامه ای داشت؟

ج - بله داشت. ولی داخلی بود و مصوب نبود و ما هم اصلاً احتیاجی به آن نداشتیم. اکثر سناتورها اهل کتاب نبودند و کاری به کتابخانه نداشتند و ما هم در کتابخانه مشغول کار خودمان بودیم.

س - به نظر می رسد شما در شکل گیری این مجموعه نقش به سزایی داشتید، نظرتان چیست؟

ج - چندان من کاری نکردم. در این کتابخانه شش الی هفت نفر متخصص و علاقه مند فعالیت داشتند و من هم تنها هنرم این بود که دخالتی در کارشان نمی کردم. البته از بعضی از نیروهای متخصص هم به صورت پاره وقت استفاده می شد. مثل مرحوم دکتر طاهری عراقی، کامران فانی و خانم دکتر شادمان.

س - کار فراهم آوری منابع بر عهده چه کسی بود؟ آیا شخصاً خود شما عهده دار این مهم بودید؟

ج - همه منابع را شخصاً خودم انتخاب می کردم (خصوصاً مجموعه کتب لاتین) را و شورای خرید کتاب تنها اسمی بود و رسمی نداشت؛ من پس از انتخاب، فهرستی تهیه می کردم. تازمانی که آقای تقی زاده رئیس مجلس سنا بود، ایشان فهرست را امضا می کرد و از طرف کارپردازان هم تأمین بودجه می شد. پس از ریاست ایشان، سه الی چهار نفر از اعضای هیأت رئیسه به عنوان شورای انتخاب کتاب تعیین شد، اما عملاً آنها هم دخالتی نداشتند و باز خودم شخصاً کار انتخاب و تهیه منابع را عهده دار بودم و فقط آنها موافقت نهایی را انجام می دادند.

س - خرید نسخ خطی کتابخانه به چه نحوی صورت می گرفت؟

ج - نسخه خطی در کتابخانه کم داشتیم و عملاً دنبال تهیه آن نبود. در چند سال قبل از انقلاب اسلامی به علت علاقه و توجه

رئیس وقت مجلس، مهندس شریف امامی چند جلدی خریداری شد که در بین آنها نسخه های بسیار خوب هم بود. قیمت گذاری روی این نسخه ها زیر نظر هیأت مقومین کتابخانه بود.

س - برای این کتابخانه مهم و تخصصی گزینش کارکنان چگونه صورت می گرفت؟

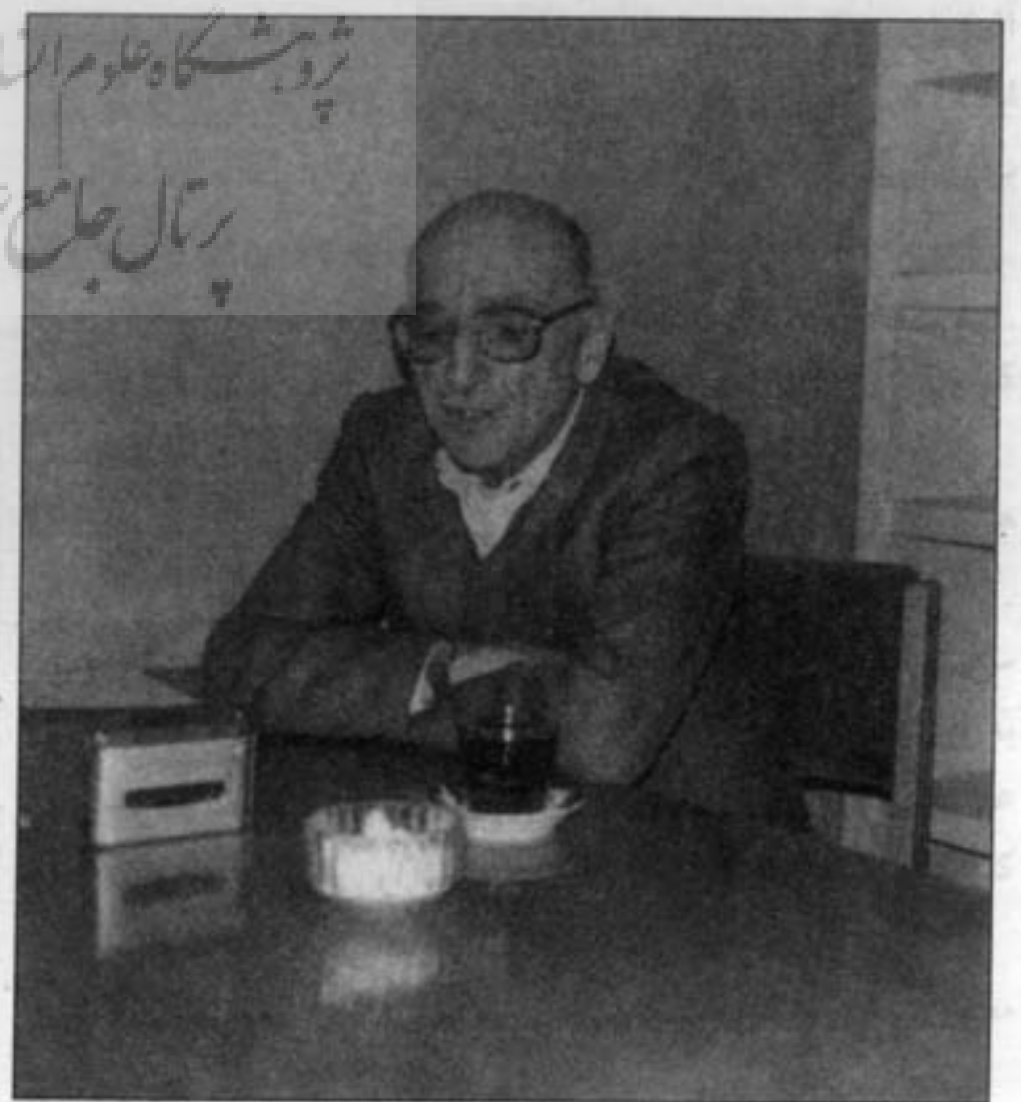
ج - تا آنجا که ممکن بود، سعی داشتیم از پذیرش نیروهای سفارش شده از طرف سناتورها، جلوگیری کنیم. چون نمی خواستیم نیروهایی داشته باشیم که نتوانیم از وجود آنها برای کارهای کتابخانه، استفاده کنیم. یک بار با تهیه گزارشی برای رئیس مجلس، خواستار استخدام دوازده نیروی متخصص شدم. ایشان با استخدام شش نفر موافقت کردند و گفتند می نویسم با استخدام شش نفر موافقت می شود. شما این نامه را نزد خودت نگهدار و هر وقت نیروی مناسبی برای کتابخانه یافتی، معرفی کن.

س - حمایت های مالی از کتابخانه چگونه بود؟

ج - هیچ گونه محدودیت بودجه برای تهیه منابع نداشتیم. رؤسای مجلس و به تبع آنها هیأت ریسه نیازهای مالی ما را برآورده می ساختند.

س - چرا کتابخانه طالب پذیرش مجموعه های اهدایی نبود؟

ج - معمولاً هدایا، منهای تعداد کمی از آنها، باری هستند بردوش کتابخانه ها. این کتابخانه کتابخانه ای تخصصی بود، اهدایی ها با موضوع مجموعه هماهنگی نداشتند. یادم می آید از طرف بعضی سناتورها دوره هایی از مجلات سبک و هفتگی به کتابخانه اهداء



شده بود و گاهی می آمدند سراغ آنها را از ما می گرفتند. آنها معمولاً کتاب خوب و درجه اول را که اهداء نمی کردند و یا اصلاً چنین کتاب هایی را در اختیار نداشتند.

س - حتماً مطلع هستید که از سال ۱۳۶۳ دو کتابخانه مجلس (مجلس سنای سابق و مجلس شورای ملی سابق) تحت نظر یک مدیریت قرار گرفت و در سال ۱۳۷۵ با تصویب اساسنامه ای، کتابخانه مجلس یک سازمان مستقل شد. نظرتان را درباره جایگاه این کتابخانه در نمودار سازمانی اعلام فرمایید؟

ج - حتماً خواهان این هستم که مجموعه این کتابخانه، به همان گونه که بوده و هست حفظ شود و در کتابخانه ای دیگر ادغام نگردد. چون اگر این اتفاق رخ دهد، کتابخانه از این یکدستی موضوعی خارج و مجموعه آن پراکنده می شود. در ایران خیلی سابقه دارد، برای تاسیس یک کتابخانه تخصصی، اول حرف هایی گفته می شود، ولی آخر اغلب آنها همه تبدیل به یک کتابخانه عمومی می شوند. اصلاً هدف از تاسیس این کتابخانه، ایجاد یک کتابخانه عمومی نبوده است، بلکه تاسیس کتابخانه ای تخصصی در موضوع ایران شناسی - اسلام شناسی بوده با مجموعه ای کم اما ارزشمند و در سطح بالا، دنبال جلب مراجعه کننده زیاد هم نبوده است. به همین علت با توجه به این که بودجه خوبی در اختیار بود، ملاحظه می شود که حجم مجموعه کم است. این کتابخانه باید مجزا باشد، کتاب های بی ربط و درجه دوم و سوم به آن اضافه نشود. البته وجود آن نوع کتاب ها هم در جای خود لازم است، ولی باید در جایی جدا از این مجموعه حفظ و نگهداری شود. در غیر این صورت کتابخانه تبدیل به مجموعه ای می شود که الان اکثر کتابخانه های ایران به آن صورت درآمده اند، تا آنجا که فعلاً من می دانم به جز این کتابخانه، الان کتابخانه تخصصی دیگری (با این زمینه موضوعی) در ایران نداریم.

س - ظاهراً کتابخانه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی برای تامین منابع خود از کتابخانه شماره ۲ مجلس سود برده است، نظر شما چیست؟

ج - بله، دقیقاً به یاد دارم. چون در مرکز کار می کردم و همین گونه بود. کتابخانه مرکز در آغاز فعالیت خود بود و بخشی از منابع مورد نیاز خود را - با تهیه کپی از کتاب ها و نشریات - از این کتابخانه و شاید سایر کتابخانه ها تامین می کرد. البته باید دانست که کتابخانه دائرة المعارف، مرکزی مستقل است که از همه جا برای تکمیل مجموعه خود استفاده می کند. و فعلاً از کتابخانه های معتبر کشور محسوب می شود.

س - در سال های ۱۳۲۸-۱۳۵۷، آیا حوادث اجتماعی بر روی کتابخانه تاثیر گذار بود؟

ج - خیر، فقط همان گونه که گفتم در زمان انحلال مجلس سنا



و سرپرستی آقای دکتر لقمان الملک وضع چنین شد و من دیگر تکرار نمی‌کنم. دوم این که در هیات رئیسه مرتب سناتورها می‌گفتند این کتابخانه مورد احتیاج ما نیست و ما کتابخانه می‌خواهیم چه کنیم. ولی از کسانی که از کتابخانه حمایت می‌کردند. می‌توان آقای دکتر بیانی را نام برد و پس از ایشان آقایان دشتی و فروزانفر را می‌توان گفت که در گرفتاری‌هایی که برای کتابخانه پیش آمده، کمک می‌کردند.

س - به نظر می‌رسد که این کتابخانه مورد توجه ایران شناسان و اسلام شناسان بوده و خیلی از آنها تألیفات خود را به کتابخانه اهداء می‌کرده‌اند، نظر شما چیست؟

ج - بله از این نوع هدایا در کتابخانه موجود است و این کتابخانه نزد آنها دارای شهرت بود. مثلاً یادم می‌آید مرحوم مینورسکی از جمله کسانی بود که به این کتابخانه، کتاب خود را اهداء کرده است و امثال ایشان. این کتابخانه دارای مجموعه‌ای خوب از ایران شناسی بود که در مجلات معتبر، من جمله *Journal asiatique*، *ZDMG* و *Der Islam* و غیره معرفی می‌شد. فراهوش نشود که بیشتر اسلام شناسان و ایران شناسانی که به ایران می‌آمدند، به دنبال کتاب‌های خطی بودند و باید در نظر داشت که در کتابخانه ما مجموعه قابل ملاحظه‌ای از کتب خطی وجود نداشت (مثل

کتابخانه مجلس شورای ملی سابق). با وجود این آنها وقتی به ایران می‌آمدند. برای دیدن منبعی به این کتابخانه رجوع می‌کردند و البته چون به این کتابخانه علاقه داشتند، آثارشان را نیز اهداء می‌کردند.

س - آیا جهت کار مجموعه سازی، ناشرین فرنگی را خود شخصاً انتخاب می‌کردید؟

ج - ما با ناشرین زیاد سروکار نداشتیم و با کتابفروشان کار می‌کردیم. اگر می‌خواستیم با ناشران کار کنیم، تعداد خیلی زیاد بود و به نتیجه نمی‌رسیدیم. کتابفروشان کتاب‌های مورد نیاز را برای کتابخانه تهیه می‌کردند. بیشتر از همه با هاراسویتس (در آلمان) و با بریل (در هلند) کار می‌کردیم. در رشد و جمع آوری این مجموعه، هاراسویتس خیلی خیلی کمک کرد. کتابفروشی‌های دیگری هم در انگلیس و سایر کشورها بودند که با آنها کار می‌کردیم. البته در حال حاضر هاراسویتس دارای کاتالوگ‌های دقیق مثل قبل نیست و این اوایل کشورها شرقی کار نمی‌کند، به دلایلی که شامل مسائل مالی است.

س - از بین مجموعه کتابخانه، آیا می‌توانید از چند منبع با ارزش نام ببرید؟

ج - به نظر من همه منابع کتابخانه (خصوصاً لاتین) خیلی خیلی با ارزش هستند و نمی‌توانم از کتاب خاصی نام ببرم.

س - آیا می‌توان تعریفی از کتاب درجه یک ارائه داد تا جهت انتخاب منابع از آن بهره برد؟

ج - ببینید هر کتابی به جای خود می‌تواند درجه اول باشد. آنچه برای ما درجه اول نبود می‌توانست برای دیگری درجه اول باشد. حال من به عنوان یک کتاب درجه اول برای کتابخانه سنای ساکن نام می‌برم تا مطلب روشن شود. همین ملحقات بر حدود العالم را که کار مینورسکی است بگیریم. این یک کتاب درجه اول است. البته ایراد هم حتماً دارد. همه کتاب‌های دنیا ایراد دارند، جز یکی از آنها که همه می‌دانند. باید سطح کتاب‌ها بالا باشد.

تقدیرم مؤلف

Addenda

to the *Hudūd al-Ālam*

۱۷/۹/۵۵

BY
V. MINORSKY

[New address: 27 Bayman Street, Cambridge.]

(Reprinted from the *BSOAS*, 1955, xvii/2.)

کتابی از مینورسکی که خود ایشان با دستخط فارسی خود آن را به کتابخانه مجلس تقدیم کردند.

س - شما، هم کتابخوان بودید و هم کتاب شناس، اما در حال حاضر ممکن است در موقع مطالعه فهرست ناشران با دیدن کلمه ایران یا اسلام در اسم یک کتاب، آن کتاب را انتخاب کنید، به نظر شما باید این کار به چه نحوی صورت گیرد؟

ج - در گذشته اصلاً به این گونه نبود. ولی اگر پرسید، نحوه انتخاب چگونه بود، درست نمی توانم بگویم. شاید فقط شناخت بود. یعنی وقتی مولفان برجسته ای را که می شناختم، اثری از آنها منتشر می شد، آن را انتخاب و برای کتابخانه تهیه می کردم. با این همه بعضی از کتاب های ضعیف یا بی ربط به کتابخانه راه پیدا کرده بودند و با مجموعه ما هماهنگی لازم رانداشتند و این به چند دلیل بود: گاهی در انتخاب اشتباهی صورت گرفته بود و یا مولف در مطلب مورد بحث، کوتاه آمده بود و یا کتاب به کتابخانه هدیه شده بود. البته در مدت سی سال کار کتابخانه که دارای منابع خوب و با ارزشی بود، ۱۵۰۰ جلد کتاب هم به نحوی به آن راه یافته بود که با مجموعه هماهنگی نداشت.

س - در حال حاضر، در بین عده ای از دست اندرکاران، قیمت کتاب نیز مطرح است. آیا خاطره ای در این مورد دارید؟

ج - بله، یاد می آید زمانی که آقای دکتر زریاب برای تهیه رساله دکتری خود به آلمان رفته بودند، از ایشان خواستم با توجه به اشرافی که به مجموعه دارند، اگر منبع مناسبی دیدند برای کتابخانه تهیه نمایند. ایشان کتاب فهرست ابن ندیم چاپ فلوگل را به قیمت ۲۰۰ تومان برای کتابخانه تهیه و ارسال داشتند.

از هیات رئیسه مجلس بنده را خواستند، تعجب کردم چون هیات رئیسه به کتابخانه عنایتی نداشت، پس با من چه کار داشت؟ وقتی رفتم، دیدم همه اعضا نشسته اند و به من گفتند: شما می دانید چه بلایی سر مملکت آوردید؟ شما این کتاب را ۲۰۰ تومان خریده اید. پروفیسور جمشید اعلم، هم که از اعضای هیات رئیسه نبود در حال رفت و آمد به آنجا بود، کتابی را که راجع به جراحی گوش و حلق تالیف خودش و چاپ دانشگاه بود نشان داد و گفت: قیمت این کتاب فقط ۱۰ تومان است با توجه به این که تعداد صفحاتش هم از کتابی که شما خریده اید خیلی بیشتر است؛ آقا پول این ملت را این طور خرج نکنید!

س - در تکمیل مجموعه کتابخانه، آیا مراجعینی که محقق بودند هم نظر می دادند؟

ج - گاهی به ندرت، کتابی را نام می بردند که در مجموعه نبود. ما برای تهیه آن، کوشش لازم را می کردیم و با کتابفروشان مکاتبه

و درخواست می کردیم. در صورت امکان تهیه می گردید.

س - در زمینه ادامه کار مجموعه سازی کتابخانه چه پیشنهاداتی دارید؟

ج - بعد از انقلاب اسلامی، جهت ادامه کار مجموعه سازی پیشنهاد دادم که فهرست های ناشران را برابیم بفرستند. ولی متأسفانه به علت شرایط خاص مملکت مثل جنگ، خرید منابع لاتین مشکل شده بود. ولی آن گونه که شنیده ام، کتابداران متخصص کتابخانه جهت تکمیل نشریات ادواری اسلام شناسی - ایران شناسی کوشش های زیادی کرده اند که خوشبختانه به نظر می رسد در این مورد نقصان خیلی کم باشد. به گمان من در حال حاضر بهتر است برای این کتابخانه یک مسئول جداگانه انتخاب شود، که هم علاقه مند باشد و هم کتاب شناس که به نشر کلیه آثار ایران شناسی، اسلام شناسی اشراف داشته باشد و هم بودجه لازم جهت تهیه منابع در اختیار او قرار گیرد. چنین شخصی باید تمام وقت خود را صرف این کار بکند و به صورت پاره وقت نباشد. واقعاً جهت شکل گیری این کتابخانه معجزه ای رخ نداده، بلکه شرایط فراهم بوده است.

س - آیا شما هنوز اعلام آمادگی جهت انتخاب منابع برای این کتابخانه می کنید؟

ج - برای کتابخانه شماره دو، بله حاضرم.

س - آیا صحبتی جهت ادامه نحوه فعالیت کتابخانه دارید؟

ج - دلم نمی خواهد این کتابخانه در کتابخانه دیگری ادغام شود.

ممکن است خیلی از منابع آن، در کتابخانه مجلس شورای ملی سابق هم وجود داشته باشد، که حتماً هم وجود دارد، ولی باید این کتابخانه جای معینی در چند اطاق داشته باشد تا بدانیم حدود ۸۰ درصد از منابعی که در رابطه با موضوعات ایران شناسی، اسلام شناسی است، در یک جا موجود است. آنچه هدف این کتابخانه از بدو تاسیس بوده، باید مدنظر قرار بگیرد. این مجموعه، یک مجموعه غنی و جمع و جور است، باید به همین گونه کنار هم حفظ شود. این کتابخانه باید مرکزی باشد برای کسانی که از یک سطح بالای علمی برخوردارند، خاص محققین باشد و وسایل لازم در اختیار کتابخانه گذارده شود. مثلاً بابت تهیه چند صفحه کپی از محققین پولی دریافت نگردد و لازم نیست مورد مراجعه عموم قرار گیرد.

در این جا وظیفه خود می دانم از همه همکاران سابق و دوستان فعلی که مراد در کار یاری داده اند سپاسگزاری کنیم و به خصوص یادآور شوم که هر گاه آقای حسن محجوب نبودند هرگز کتابخانه سنای ساکن به این مرحله از اعتلا نمی رسید.

